

مقدمه

اندرزنامه‌های سیاسی جزو آثاری هستند که در زمینه سیاست، با هدف توصیه رفتار مناسب در زندگی سیاسی و تأثیرگذاری بر رفتار سیاسی صاحبان قدرت به رشته تحریر درآمده‌اند. در این‌گونه آثار هم شیوه‌های حفظ اقتدار و مشروعیت قدرت سیاسی ارائه می‌شود و هم آنچه به تضعیف یا از بین رفتن قدرت می‌انجامد، با عنوان «آفات قدرت سیاسی» به حاکم یادآوری می‌شود تا بدین طریق، قدرت او هرچه بیشتر نزد مردم توجیه‌پذیر گردد؛ بنابراین محور مباحث اندرزنامه‌نویسان سیاسی، قدرت حاکم و حفظ آن است.

این نوشته‌ها که به اعتبار مشهورترین آنها (سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک) با عنوان شایع سیاست‌نامه معروف‌اند، رساله‌هایی بودند با نام‌هایی گوناگون مانند اندرزنامه‌ها، آیین‌نامه، ارشادنامه، نصیحة‌الملوک یا آئینه شاهی که قیپهان، فیلسوفان و بعضاً عرفا و بزرگان صوفیه، آنها را خطاب به فرمانروایان می‌نوشتند. رساله‌های سیاست‌نامه، با توجه به شرایط تاریخی-سیاسی ظهورشان، خصایصی ویژه داشتند و هریک از آنها در قالب اندرزنامه‌ای پندآمیز به منظور راهنمایی عملی امیر یا سلطان خاص نوشته شده و برای ایجاد تنوع، به نقل‌ها، حدیث‌ها و حکایت‌های شیرین آمیخته گشته‌اند (فیرحی، ۱۳۸۲، ص ۷۴). درباره اینکه این نوع ادبیات سیاسی از کدام حوزه فکری متأثر است، اختلاف نظر است. سیدجواد طباطبایی سیاست‌نامه‌ها را ادامه اندیشه ایرانشهری در باب سیاست می‌داند و به نوعی آن را بیانگر تلاش فکری ایرانیان برای کسب استقلال فکری و رسیدن به استقلال سیاسی تحلیل می‌کند (طباطبایی، ۱۳۸۲، ص ۴۱)؛ اما داوود فیرحی سیاست‌نامه را نه جریانی مستقل در برابر فقه و فلسفه سیاسی مسلمانان، بلکه جزئی از قلمرو فراخ فقه و فلسفه عملی و منضم به آن حوزه می‌بیند (فیرحی، ۱۳۸۲، ص ۷۵).

بی‌شک فهم دقیق و درست درون‌مایه یک دانش و نظریه بدون شناخت زمینه‌های وجودی معرفتی و غیرمعرفتی آن ناممکن یا دست‌کم بسیار دشوار است و پژوهش‌های صورت‌گرفته نوعاً با غفلت از این مطلب دچار برداشت‌های ناصواب درباره این دانش شده‌اند. آنچه در این نوشتار ارائه خواهد شد، تحلیل ماهوی جریان سیاست‌نامه‌نویسی نیست، بلکه تحلیلی است از سنخ مباحث متاتئوریک است که با روش‌شناسی بنیادین علم، زمینه‌های وجودی معرفتی و غیرمعرفتی جریان سیاست‌نامه‌نویسی را مورد مطالعه قرار می‌دهد، تا از این رهگذر به درک درستی از چگونگی تکوین این جریان علمی نایل آید و درنهایت به نقد آن می‌پردازد.

بررسی روش‌شناسی بنیادین سیاست‌نامه‌نویسی در دوره میانه

saeid409@yahoo.com

سعید مقدم / دانشجوی دکتری دانش اجتماعی مسلمین دانشگاه باقرالعلوم

دریافت: ۱۳۹۳/۰۴/۱۸ - پذیرش: ۱۳۹۳/۰۸/۱۷

چکیده

فهم دقیق و درست جریان‌های علمی بدون شناخت زمینه‌های وجودی آنها دشوار است و در مواردی موجب برداشت‌های ناصواب از آنها می‌شود. هدف این پژوهش بررسی روش‌شناسی بنیادین تکوین جریان سیاست‌نامه‌نویسی در دوره میانه است تا با مشخص شدن زمینه‌های معرفتی و غیرمعرفتی آن، بستر فهم درست و نقد این دانش فراهم آید. در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تبیینی به این پرسش‌ها پاسخ داده‌ایم: سیاست‌نامه‌نویسی از چه مبانی معرفتی‌ای بهره می‌برد؟ ساختار معرفتی این دانش از چه مفاهیمی تشکیل شده است؟ روش کاربردی این دانش کدام است؟ سیاست‌نامه‌نویسی چه حوزه‌های معرفتی‌ای را فعال می‌سازد؟ این دانش از چه زمینه‌های وجودی غیرمعرفتی اجتماعی و فردی‌ای بهره می‌برد؟ و درنهایت چه نقدهایی بر این دانش دوره میانه وارد است؟ سیاست‌نامه‌نویسی دوره میانه نه در تداوم اندیشه ایرانشهری و نه جزئی از قلمرو فراخ فقه و فلسفه عملی و منضم به آن حوزه، بلکه یک جریان مستقل علمی در عرصه دانش اجتماعی مسلمانان است.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌نامه‌نویسی، دوره میانه، قدرت، ویژگی‌های حاکم.

این تحلیل بر چارچوبی استوار است که در آغاز باید به توضیح مختصر آن پردازیم (پارسایا، ۱۳۹۲). برحسب چارچوب مزبور، نظریه علمی با دو رویکرد درخور بررسی است: رویکرد نخست، نظریه علمی را در مقام نفس‌الامر و با صرف‌نظر از ظرف آگاهی فردی و اجتماعی کانون بررسی قرار می‌دهد و روابط آشکار و پنهان نظریه را با مبادی اجزا و لوازم آن دنبال می‌کند و رویکرد دوم، نظریه را در ظرف آگاهی و معرفت‌عالم و فرهنگ و آگاهی جمعی مدنظر قرار می‌دهد و عوامل وجودی و یا زمینه‌های بروز و حضور آن را در جامعه علمی شناسایی می‌کند.

در توضیح رویکرد نخست باید گفت: هر علم و نظریه علمی با برخی اصول و مبادی آغاز می‌شود. مجموعه مبادی و اصول موضوعه‌ای که نظریه و جریان علمی براساس آنها شکل می‌گیرد، چارچوب و مسیری را برای تکوین آن پدید می‌آورد که آن را روش‌شناسی بنیادین در قبال روش‌شناسی کاربردی می‌نامیم. روش‌شناسی کاربردی، روش کاربرد یک نظریه در حوزه‌های معرفتی مرتبط با آن نظریه را شناسایی می‌کند، اما روش‌شناسی بنیادین ناظر به روشی است که نظریه در مسیر آن تولید می‌شود. بنابراین روش بنیادین مقدم بر نظریه و جریان علمی، و روش کاربردی مؤخر از آن است.

روش‌شناسی بنیادین پیامدهای منطقی مبادی و اصول موضوعه مختلف گوناگون را نسبت به یک حوزه معرفتی و علمی به روش علمی جست‌وجو، و خطاهای روش‌شناختی و مبادی ناگفته و پنهان علم را آشکار می‌کند. روش‌شناسی بنیادین با مشخص ساختن مبانی یک نظریه، زمینه نقد‌های مبنایی آن را نیز پدید می‌آورد. نظریه علمی پس از شکل‌گیری، به نوبه خود در دو امر اثر می‌گذارد: ۱. روش‌شناسی کاربردی، ۲. حوزه‌ها و موضوعات علمی.

براساس آنچه بیان شد، در رویکرد نخست اموری که درباره هر نظریه علمی مدنظر قرار می‌گیرند، عبارت‌اند از: مبادی، روش‌شناسی بنیادین نظریه (مفاهیم، علل و عوامل اصلی درون نظریه و...)، روش‌شناسی کاربردی و حوزه‌های معرفتی فعال.

در رویکرد دوم، از سبب پیدایش نظریه در جامعه و فرهنگ پرسش می‌شود. این پرسش، ادله تکوین نظریه و عوامل ظهور آن در حوزه معرفت بشری را دنبال می‌کند: اولاً یک نظریه برای آنکه در جامعه علمی به صورت نظریه‌ای علمی مطرح گردد و به لحاظ تاریخی به حوزه فرهنگ وارد شود، باید مبنایی و مبادی‌اش به قلمرو فرهنگ وارد شده، و روش تولید معرفت متناسب با آن نظریه در جامعه علمی پدید آمده باشد. همچنین روش‌شناسی بنیادین باید پیش از پیدایش نظریه در جامعه علمی به

رسمیت شناخته شده باشد. از این‌گونه عوامل و زمینه‌های اجتماعی‌ای که ربط منطقی نیز با نظریه دارند، با عنوان عوامل و زمینه‌های معرفتی یاد می‌کنیم.

تکوین نظریه در جهان علمی، علاوه بر اتکا به زمینه‌های فلسفی و معرفت‌شناختی، و زمینه‌های معرفتی مربوط به دیگر علوم، از پیشینه تاریخی علمی که در بستر آن شکل گرفته است نیز استفاده می‌کند. نظریه در جهان علمی علاوه بر زمینه‌های معرفتی، از زمینه‌های وجودی دیگری که بیشتر جنبه انگیزشی دارند نیز بهره می‌برد. اینها به نوبه خود در تقسیم کلی به دو دسته فردی و اجتماعی منقسم می‌شوند. حضور مبانی و بنیان‌های معرفتی یک نظریه در عرصه فرهنگ و وجود انگیزه‌ها و عوامل غیرمعرفتی برای پیدایش یک نظریه علمی کافی نیست. نظریه علمی در بستر آماده معرفتی خود هنگامی شکل می‌گیرد که مسئله مربوط به آن نیز در چهره فرهنگی و اجتماعی خود ظاهر شده باشد. با توجه به این چارچوب مفهومی، ما به دنبال پاسخ به پرسش از زمینه‌های وجودی معرفتی و غیرمعرفتی دانش سیاست‌نامه‌نویسی، و نقد این دانش با توجه به روش‌شناسی بنیادین آن خواهیم بود.

۱. زمینه‌های معرفتی جریان سیاست‌نامه‌نویسی

زمینه‌های معرفتی تکوین دانش سیاست‌نامه‌نویسی مانند هر دانش دیگر با اصول و مبانی ویژه‌ای آغاز شده و ساختار معرفتی ویژه‌ای را برای این دانش پدید آورده است.

۱-۱. مبانی سیاست‌نامه‌نویسی

سیاست‌نامه‌ها نیز به تناسب موضوع و روش خود از مبانی گوناگونی بهره می‌برند. در این بخش به برخی از این مبانی و اصول اشاره می‌کنیم.

۱-۱-۱. توأمان بودن دین و سیاست

یکی از مبانی اساسی سیاست‌نامه‌نویسان، عدم جدایی دین و سیاست است. از اعتقاد به عدم جدایی دین از سیاست با تعابیر مختلفی چون «عین هم هستند»، «دو برادر همزاد» و «هم‌ترازی» یاد شده است. این نگرش، اختصاص به اسلام و ایران ندارد، بلکه اندیشه‌ای قدیمی به‌ویژه در هند و چین بوده است. اندیشمندان اسلامی به دلیل دو کارکرد دین، به این دیدگاه اعتقاد یافتند: یکی به منظور ایجاد وحدت و انسجام فرهنگی و دیگری ارائه یک مقیاس و ملاک برای ارزیابی رفتار سیاسی جامعه و دولت. به همین جهت، نزد ایشان این امر نقش مهمی در تأمین مصالح عمومی و ایجاد اتفاق کلمه و قطع منازعه

و وضع مقررات و حذف یا حل اختلاف و توزیع نقش‌ها و حفظ امانت‌های مردم داشته است (فیرحی، ۱۳۸۲، ص ۲۱۴-۲۱۵). با اعتقاد به چنین امری بود که اندیشه دوره میانه، خواهان اجرای شریعت به‌منزله لازمه سلطنت بود.

پادشاه تنها در برابر خداوند که اختیار و قدرتش از او نشأت می‌گیرد مسئول است. وظایف مهم پادشاه بدین‌قرارند:

۱. برخورد یک‌سان با دین و سیاست: از نگاه *خواججه نظام‌الملک* دین و دولت ذاتاً به یکدیگر وابسته‌اند و پادشاه باید با هر دو یک‌سان رفتار کند:

و هر گه در مملکت اضطراری پدید آید در دین نیز خلل آید، بددینان و مفسدان پدید آیند و هر گه که کار دین با خلل باشد، مملکت شوریده بود و مفسدان قوت گیرند... نیکوترین چیزی که پادشاه را باید، دین است (طوسی، ۱۳۷۲، ص ۵۵).

۲. ترویج و تقویت شریعت: در سنت فلسفی سیاست‌نامه‌نویسان دوره میانه اسلام، وظیفه پادشاه تقویت دین و شریعت است. *عبدالحق محدث دهلوی* پادشاه عادل را جانشین پیامبر می‌خواند و وظیفه او را ترویج و تقویت شریعت به زور بازو و قانون عدالت می‌داند (شریف، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۲۴۰). در این سنت، بایسته است که شاه هر آنچه را که دین فضیلت می‌داند، چه از قبیل اصول نظری و چه از قبیل اصول اخلاقی و عملی، بشناسد و نیز در چارچوب آنها عمل کند (لمبتون، ۱۳۵۷، ص ۳۵).

۱-۱-۲. عدالت‌طلبی

یکی از پایه‌های اصلی پادشاهی در اندیشه قدیم ایران و از صفات پادشاهان دوره اسلامی در سیاست‌نامه‌ها، عدالت است (فیرحی و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۲۴۷). سیاست‌نامه‌نویسان عقیده داشتند که پادشاهی بدون دادگری استوار نمی‌ماند و دچار دگرگونی می‌شود: «گفته‌اند بزرگان دین که الملک یقی مع الکفر ولا یقی مع الظلم» (طوسی، ۱۳۷۲، ص ۱۵).

ملاط چنین عدالتی که بنیان ساختمان دولت و پادشاهی است، اعتدال‌گرایی است و در مبانی فلسفی سیاست‌نامه‌نویسان اعتدال‌گرایی جزو فطرت بشر و لازمه تداوم حیات بشری دانسته شده است. از نظر علمی، اعتدال‌گرایی نه تنها زبان‌های افراط و تفریط را ندارد، که سود فراوان نیز دارد (رجایی، ۱۳۷۳، ص ۶۷).

عنصر اعتدال در فرهنگ ایرانیان باستان مورد توجه ویژه بوده است. به عقیده حمید عنایت ایرانیان باستان در پرتو آموزش‌های زردشت، پیش از ارسطو با اعتدال آشنا بودند و آن را گرامی می‌داشتند

(عنایت، ۱۳۵۶، ص ۷۰). در مبنای فلسفی ایرانیان، عدالت آن است که هر فردی در پایگاه اجتماعی مناسب خود قرار گیرد و اگر کسی در مرتبه خود قرار نمی‌گرفت، جایگاهش ظلم به خود و به جامعه تلقی می‌شد. *خواججه* می‌گوید:

از ناموس‌های مملکت یکی نگاه داشتن القاب و مراتب و اندازه هر کس است؛ چون لقب مرد بازاری و دهقان یکی باشد، هیچ فرقی نبود و محل معروف و مجهول یکی باشد و چون لقب عالم و جاهل یکی باشد، تمیز نماند و این در مملکت روا نباشد (طوسی، ۱۳۷۲، ص ۲۰۰).

۱-۱-۳. تقدیرگرایی

سیاست‌نامه‌نویسان همواره به نوعی جبر و تقدیرگرایی در نظم حاکم بر پدیده‌های سیاسی - اجتماعی اعتقاد داشتند و قدرت شاه را نیز ناشی از اقتدار مطلقه خداوند می‌پنداشتند. اینان سلطنت را ناشی از اراده و مشیت الهی، و اراده بشری را خارج از آن می‌دانستند (فیرحی و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۲۴۹). *خواججه نظام‌الملک* بر این باور است که خداوند سلطنت را به فرد شایسته آن واگذار می‌نماید: «ایزد تعالی در هر عصری و روزگاری یکی را از میان خلق برگزیند و او را به هنرهای پادشاهانه و ستوده آراسته گرداند و مصالح جهان و آرام بندگان را بدو باز بندد و در فساد و آشوب و فتنه را بدو بسته گرداند» (طوسی، ۱۳۷۲، ص ۱۱).

۱-۱-۴. نظم‌گرایی

سیاست‌نامه‌نویسان به وجود نظمی واحد در جهان و عالم آسمانی و زمینی اعتقاد دارند. در این نظم، تکلیف همه‌چیز معلوم، و هر چیزی از شأنی برخوردار است و شأن سلطان، جهانگیری و جهان‌داری است. بنابراین لازم است وی علم و حکمت لازم را برای جهان‌داری از حکما فرا گیرد تا بتواند حافظ این نظم باشد (رجایی، ۱۳۷۳، ص ۳۰). بنابراین اصل، سیاست به معنای سامان دادن امور جامعه و حفظ شئون آن و تنبیه فرد متخلف از نظم موجود است. لذا یکی از وظایف شاه، شناخت نظم و اصول حاکم بر جهان (چه جهان طبیعی و چه اجتماعی) و پاسداری از آن است (طوسی، ۱۳۷۲، ص ۱۹۰). این نظم و امنیت زمانی ایجاد می‌شود که پادشاهی نیک عادل و دارنده فرآیندی باشد که با از بین رفتن چنین پادشاهی، نظم و امنیت از میان می‌رود و فتنه‌ها پدید می‌آید. مراد از این نظم آن است که هر چیز را به قاعده خود درآورد و هر آنچه را از قاعده و بنیاد خویش افتاده باشد بازگرداند و با این کار زوال و فساد را از دولت و ملک خود دور کرده است (فیرحی و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۲۴۷).

۱-۱-۱. واقع‌گرایی

ویژگی مهم جریان اندرزنامه‌نویسی، رویکرد عملی به حوزه سیاست، و نظریه‌پردازی مبتنی بر واقعیت‌های ساختار سیاسی و روابط و مناسبات سیاسی جامعه است. به همین جهت سیاست‌نامه‌ها به نوعی بیانگر ساختار قدرت، شیوه‌های حکومت، سازمان اداری، طبقات اجتماعی و آداب و رسوم روزگار خود هستند. سیدجواد طباطبایی در این باره می‌نویسد:

بخش بزرگی از اندیشه‌های سیاسی در سیاست‌نامه‌هایی آمده است که نویسندگان آن بی‌آنکه اهل تفکر فلسفی باشند، به تأمل در روابط و مناسبات سیاسی جامعه پرداخته‌اند. اغلب این نویسندگان اگر هم در خدمت سلطانی نبوده‌اند، لاجرم نسبتی با سیاست عملی داشته‌اند و از این حیث می‌توان گفت که آنان برخلاف فیلسوفان سیاسی در تکوین سازمان سیاسی کشور و تدوین ایدئولوژی سیاسی آن نقش بسزا داشته‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ص ۱۰-۱۱).

طباطبایی با تقسیم اندیشه سیاسی اسلامی قدیم به فلسفه سیاسی، سیاست‌نامه‌نویسی و شریعت‌نامه‌نویسی، می‌گوید: فیلسوفان سیاسی اهل تفکرند، درحالی‌که سیاست‌نامه‌نویسان در بهترین حالت، تنها به تأمل در امر سیاسی می‌پردازند (همان).

۱-۱-۲. تجربه‌گرایی

روشی که سیاست‌نامه‌نویسان در سفارش‌ها و پندهای خود به سلاطین و حکام و درباریان در پیش می‌گرفتند، یک روش تجربه‌گرایانه مبتنی بر واقعیات عینی و موجود، یا روشی برگرفته از تجارب موفق پیشینیان است. به تعبیر فرهنگ رجایی اندرزنامه‌نویسی سیاسی یکی از بسترهای تحلیل سیاست با روش مبتنی بر تجربه تاریخی است (رجایی، ۱۳۷۳، ص ۷).

۱-۱-۳. اخلاق‌مداری

سیاست‌نامه‌نویسان تنافر و ناسازگاری میان سیاست عملی و اخلاق را بر نمی‌تابند. از نگاه این اندیشمندان، حکمران موفق در جهت تثبیت قدرت سیاسی، نباید به اصول اخلاقی بی‌اعتنایی نشان دهد. سیاست‌نامه‌ها که جهت نشان دادن راه‌های تثبیت قدرت سیاسی و آیین‌کشورداری پای به عرصه سیاست عملی گذاشته‌اند، به این دلیل که چارچوب کلی خود را در دوره تمدن اسلامی از منابع دینی برمی‌گیرند، مواردی مانند ضرورت تطابق میان قول و فعل و ایمان، حسن خلق با رعیت، وفای به عهد، پرهیز از مکر و حيله در حوزه قدرت سیاسی، پرهیز از کذب و وعده دروغ، پرهیز از تجسس در

زندگی خصوصی مردم، و دوری از تکبر در رویارویی با مردم را به سلاطین، پادشاهان، حاکمان و والیان سفارش می‌کنند.

خواجه رشیدالدین در نامه‌ای به فرزند خود شهاب‌الدین، حاکم اهواز می‌نویسد: «و دیگر از ابواب عدل یکی این است که تکبر نکنی و غضب و قهر و انتقام... را شعار خود نسازی، بلکه حلم و عفو و صدق را ... پیشه خود کنی تا از جمله عاقلان و از زمره عادلان گردی» (همدانی، ۱۳۶۲ق، ص ۱۰).

۱-۱-۴. معادباوری

سیاست‌نامه‌نویسان به لوازم تلازم دین و سیاست پایبند بودند و به معاد و جهان آخرت باور داشتند. اعتقاد به جهان پس از مرگ از ریشه‌های کلامی این جریان فکری به‌شمار می‌آید. این اندیشمندان با یادآوری معاد و روز حساب به سیاست‌مداران، آنان را به آمادگی پاسخ‌گویی در آن روز عظیم تحریض می‌کردند. پیامد این معرفت در عرصه سیاست عملی، توجه به اقامه عدل و توجه به نیازهای طبقات فرودست جامعه بود.

اصفهانی در سطور پایانی دستورالوزرا، با طرح مسئله معاد و یادآوری آن، دعوت به عمل صالح و عدالت و قضای حوایج، مسلمانان را این‌گونه به مصادر امور سفارش می‌کند:

در این سرای بی‌اعتبار! به حکم «فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ» (حشر: ۲)، چشم دل باز نموده، از گذشتگان حاصل نمایند اعتبار، و به قضای حوایج مسلمین، در سلک اولیای مفرین خالق زمان و زمین درآمده، به تسکین خاطر مسکین پیش‌دستی نموده تا در روز پسین نمایند خائف و حزین که «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (یونس: ۶۲) (اصفهانی، ۱۳۶۴، ص ۱۹).

مصنف چوری صاحب ریاض‌الخلود نیز که دل‌مشغولی‌اش بیشتر اهل علم و نخبگان زمان خودش بوده است، تلاش دارد تا آنها را از مشغولیت دنیا و تبعیت از ظالم و توجیه امور آنها بازدارد و آنها را متوجه قام قیامت کند تا عبرت گیرند و ترک مرض نمایند (مصنف چوری، ۱۳۸۷، ص ۱۷).

۱-۱-۵. سعادت‌طلبی

بحث درباره سعادت و نجات از شقاوت، موضوعی نیست که در متون سیاسی اسلامی در حاشیه قرار گیرد؛ بلکه غالب سیاست‌اندیشان مسلمان، به دلیل اعتقاد به معاد نمی‌توانند به این اصل مهم به‌صراحت یا به طور تلویحی اشاره نداشته باشند. لذا سعادت دنیوی در حاشیه سعادت اخروی و در پیوند با آن تعریف می‌شود (نجفی، ۱۳۸۲، ص ۱۸۵). اصفهانی در دستورالوزرا می‌نویسد: «محققان عالم روحانی را معلوم است که سبب نجات از شقاوت و وصول سعادت در معاش و معاد جز به تکمیل نفس نیست

و به تحلیل علم و تزکیت عمل منوط و مضبوط است چون عون و عنایت باری عزّ و علا ضمیمه آن باشد» (اصفهانی، ۱۳۶۴، ص ۱۱۶).

اصفهانی اصلاح نفس را مقدم بر اصلاح اجتماعی می‌داند و لذا مصلحان و سیاست‌مداران را در پرده ادب به تزکیه آن تشویق می‌کند.

۱-۲-۱. روش‌شناسی بنیادین

با مشخص شدن مبانی‌ای که دانش سیاست‌نامه‌نویسی براساس آنها شکل گرفته می‌توان گفت که این دانش دارای یک روش‌شناسی بنیادین مبتنی بر توأمان بودن دین و سیاست، تقدیرگرایی، عدالت‌طلبی، واقع‌گرایی، تجربه‌گرایی و اخلاق‌مداری، معادباوری و سعادت‌طلبی است.

۱-۲-۱-۱. ساختار معرفتی دانش سیاست‌نامه‌نویسی

ساختار معرفتی هر نظریه علمی متشکل از مجموعه مفاهیم، تصورات و گزاره‌هایی است که بر اساس مبانی خود به گونه‌ای منطقی و علمی سازمان یافته‌اند. در هر نظریه، عامل یا عواملی ویژه به منزله علت یا علل اصلی و یا عامل مسلط در نظریه معرفی می‌شود.

تأکید بر حفظ قدرت فرمانروا، محور اصلی اندرزنامه‌های سیاسی را شکل می‌دهد. سیاست‌نامه‌نویس همه تلاش خود را صرف این امر می‌کند که راه و رسم فرمانروایی را نشان دهد و در این راه همه شئون و ساحت‌های دیگر حیات اجتماعی را در خدمت قدرت سیاسی قرار می‌دهد. بنابراین می‌توان از امنیت، عدالت، قدرت، سلطنت به منزله مفاهیم و تصوراتی که در دانش سیاست‌نامه‌نویسی به کار برده می‌شوند، نام برد و مفهوم قدرت و توضیح روابط آن، از جمله عوامل و علل اصلی این دانش به‌شمار می‌روند.

۱-۲-۲. روش کاربردی

بهترین راه برای سنخ‌شناسی و تقسیم‌بندی آثار گوناگونی که در حوزه دانش و اندیشه سیاسی دنیای اسلام شکل گرفته‌اند، استفاده از مفاهیم و بنیادهای معرفتی موجود در همین حوزه فرهنگی است. این‌گونه آثار را بر اساس روش و موضوع و غایت، به اقسامی می‌توان تقسیم کرد؛ زیرا برخی از آثار به

لحاظ موضوع با یکدیگر اختلاف دارند و بعضی دیگر به‌رغم وحدت موضوع، از جهت روش معرفتی مغایرند. البته تفاوت روش‌ها گاه به لحاظ تفاوت اهداف است.

تفاوت فلسفه سیاسی و مدنی و فقه سیاسی، تفاوت موضوعی یا تفاوت در سطح موضوع است، و فقهی که با روش عقلی-برهانی آشنا بوده، مرجعیت عقل نظری و عملی را پذیرفته باشد، می‌تواند بیرون از قلمرو مباحث فقهی و در حوزه فلسفه مدنی نیز صاحب‌نظر بوده، تألیفاتی داشته باشد. تفاوت سیاست‌نامه‌ها با فلسفه سیاسی و فقه سیاسی تنها تفاوت در روش است که به تناسب اهداف مختلف علمی و یا تبلیغی و ترویجی پدید می‌آید. به همین دلیل، همان شخصی که برای مخاطبان علمی خود به قلمرو فلسفه و یا فقه سیاسی وارد می‌شود، برای مخاطبانی که در عرصه عمل و فعالیت اجتماعی مشغول هستند، به سیاست‌نامه‌نویسی روی می‌آورد و باز به همین دلیل است که سیاست‌نامه‌ها را گاه فقیهان و گاه فیلسوفان سیاسی تحریر کرده‌اند (پارسانیا، ۱۳۸۹، ص ۷۸).

در اندرزنامه‌ها برای رساندن مقصود کمتر از برهان و بیشتر از خطابه یا اقناع ناشی از مشاهدات تاریخی به منظور تأثیر اجتماعی و تربیت نفوس استفاده می‌شود و یکی از علل نامیدن آنها به اندرزنامه هم همین است. حکایات تاریخی و حتی حکایات از زبان حیوانات یکی از روش‌های مؤثر و مورد علاقه اندرزنامه‌نویسان است. در باب حکایات از زبان حیوانات می‌توان به اثر گران‌بهای **کلیده و دمنه** که نام اصلی آن **داستان‌های بیدپای** است، اشاره کرد که در همان آغاز از زبان پهلوی به عربی و سپس به فارسی شد (قادری، ۱۳۸۸، ص ۱۲۱). نصرالله منشی به کمک تشبیهات توانسته است در قالب تصاویر، تمثیلات مکرر و حکایات کوتاه، هر مفهوم دقیق و اندیشه ظریفی را آسان‌فهم سازد. او درباره اینکه عداوت حقیقی را با هیچ تدبیری نمی‌توان به صلح تبدیل کرد، می‌گوید: «آب اگر چه در آوندی دیر بماند تا بوی و طعم بگرداند، چون بر آتش ریخته شود از کشتن آن عاجز نیاید» (نصرالله منشی، ۱۳۶۷، ص ۵۲).

شیوه بیان سیاست‌نامه‌ها سبک هنری خاصی است که به تعبیر فرهنگ **رجایی** به کار نقاش شباهت دارد تا عکاس؛ زیرا یک سیاست‌نامه‌نویس همچون یک نقاش ضمن ارائه چارچوب کلی از موضوع، تنها به یک جنبه می‌پردازد، نه اینکه مانند یک عکاس هر آنچه را در مقابل دوربینش قرار گیرد، منعکس کند (رجایی، ۱۳۶۳، ص ۲۶). بنابراین تفاوت در روش و هدف، سیاست‌نامه‌نویسی را به جریان و دانشی مستقل در برابر فقه و فلسفه سیاسی در عرصه دانش سیاسی مسلمانان تبدیل می‌کند.

۳-۲-۱. ویژگی‌های روش‌شناختی سیاست‌نامه‌ها

اندرزنامه‌های سیاسی متناسب با مبادی پنهان و آشکار خود، از برخی ویژگی‌های مشترک روش‌شناختی بهره می‌برند. سیاست‌نامه‌نویسان به جهت نسبتی که با سیاست عملی داشتند و با تأمل در واقعیت‌ها و مناسبات سیاسی جامعه خویش و جوامع پیشین، به نظریه‌پردازی می‌پرداختند. بدین ترتیب روشی که آنان در سفارش‌های خود به سلاطین و حکام و درباریان در پیش می‌گرفتند، روشی تجربه‌گرایانه، مبتنی بر واقعیت‌های عینی جوامع موجود یا پیشین بود. زبان استعاره‌ای و کنایی نیز یکی دیگر از ویژگی‌های روش‌شناختی سیاست‌نامه‌ها به‌شمار می‌رود. حکایت از زبان حیوانات، نشانه این ویژگی روش‌شناختی است.

حوزه‌های معرفتی فعال

هر دانش و نظریه به تناسب ساختار معرفتی درونی خود که متأثر از مبادی و اصول موضوعه آن نیز هست، موضوعاتی ویژه را به‌منزله عوامل اصلی و علل مسلط در قلمرو دانش خود مطرح می‌کند و این مسئله موجب می‌شود تا پرداختن به آن عوامل به‌منزله حوزه مورد علاقه نظریه، فعال شود و بر همین قیاس، در هر نظریه برخی عوامل از محور گفت‌وگوی علمی بیرون روند و یا کم‌رنگ شوند و به دنبال آن، حوزه مربوط به آن عوامل از قلمرو دانش و فهم خارج گردد.

یک مسئله اساسی که ذهن سیاست‌نامه‌نویسان را به خود مشغول داشته است این بوده که آنها عموماً نخست به بحث درباره چگونگی اکتساب قدرت سیاسی پرداخته‌اند و در مرحله بعد اندیشیده‌اند که چگونه می‌توان از خروج خوارچ (بروز مخالفت با قدرت حاکم) جلوگیری کرد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ص ۲۰). بنابراین می‌توان گفت مفاهیم امنیت، قدرت و نحوه کسب و حفظ آن، به‌منزله عوامل اصلی قلمرو دانش سیاست‌نامه‌نویسی، حوزه‌هایی از قبیل امنیت ملی و دفاعی را در عرصه سیاست فعال می‌سازند.

۲. زمینه‌های وجودی غیرمعرفتی

همان‌گونه که بیان شد، نظریه در جهان علمی از زمینه‌های وجودی دیگری که بیشتر جنبه انگیزشی و غیرمعرفتی دارند نیز اثر می‌پذیرد و بلکه تأثیرگذاری این زمینه‌ها کمتر از زمینه‌های معرفتی نیست. زمینه‌های وجودی غیرمعرفتی را می‌توان به عوامل فردی و اجتماعی تقسیم کرد. عوامل فردی تکوین

یک نظریه به زمینه‌های شخصیتی نظریه‌پرداز باز می‌گردد؛ نوع، انگیزه‌های شخصی، زمینه‌های خانوادگی، تجربیات زیستی و ویژگی‌های روانی، از جمله عوامل فردی‌اند. عوامل اجتماعی غیرمعرفتی که به نوبه خود بر عوامل وجودی فردی تأثیرگذارند، به عوامل اقتصادی، سیاسی، نظامی، ایدئولوژیک و... تقسیم می‌شوند.

۲-۱. زمینه‌های غیرمعرفتی فردی

برای ورود به بحث عوامل فردی، لازم است نوعی گونه‌شناسی از سیاست‌نامه‌ها ارائه شود. به‌طورکلی باید گفت که سیاست‌نامه‌ها انواع مختلفی داشته‌اند: گاه در پوشش آثار ادبی ارائه شده‌اند که نمونه آن **گلستان سعدی** و **ریاض‌الخلود** مصنف چوری است که به این نوع آثار، اخلاق‌نویسی هم گفته می‌شده است؛ گاه در قالب کتاب‌های تاریخی بوده که کتاب **تاریخ بیهقی** و **جامع‌التواریخ** خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی از این نوع است؛ و گاه هم در موضوع و هم در عنوان، سیاست‌نامه بوده‌اند که **سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک** و **نصیحة‌الملوک** امام محمد غزالی از این نوع‌اند (قادری، ۱۳۸۸، ص ۱۱۸).

سیاست‌نامه‌هایی را که وزرا تألیف می‌کردند، «دستورنویسی» هم می‌نامیدند. درواقع این نوع سیاست‌نامه‌ها اصلی‌ترین جریان سیاست‌نامه‌نویسی‌اند. نوشتن این قبیل سیاست‌نامه نیازمند قدرت بسیاری بود که تنها وزرا چنین قدرتی داشتند و به همین دلیل افرادی چون **خواجه نظام‌الملک** و **خواجه رشیدالدین** (که هر دو وزرای مقتدری بودند) موفق به نوشتن چنین آثاری می‌شدند. **خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی** و **خواجه نظام‌الملک** هر دو وزرای مقتدر دوره خود هستند که در عمل سیاسی دارای آثاری عظیم بودند و البته تفاوت‌هایی نیز با هم داشته‌اند. **خواجه رشیدالدین** در سیاست‌نویسی در حد **خواجه نظام‌الملک** نبوده است؛ با این حال آنان هر دو مؤسسه‌های عظیمی برای آموزش طراحی کردند؛ **خواجه نظام‌الملک** نظامیه بغداد را، و **خواجه رشیدالدین** ربع رشیدی تبریز را بنا نهاد. هرچند ربع رشیدی طرح گسترده‌تری بوده، به علت ویرانی زودهنگامش، آثار علمی کمتری نسبت به آثار ماندگار نظامیه دارد؛ با این حال تأسیس ربع رشیدی خود نشان از کوشش علمی **خواجه رشیدالدین** و در عین حال، اهتمام وی بر گردآوری دانشمندان مناطق مختلف دنیا برای پیشرفت علم و تمدن اسلامی دارد.

این دو وزیر یک وجه مشترک هم داشتند و آن به قدرت رساندن خاندان خود بود. در واقع، رسم وزرا به قدرت رساندن خاندان خود بود و در دوره ایلخانیان، خاندان خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی بود که با نام ایلخانان حکومت می‌کرد (دانش‌پژوه، ۱۳۵۴، ص ۲۱۷).

وزیران ایرانی در دوران حکومت‌های سلطنتی تقریباً ویژگی‌های مشابهی داشتند. آنان افرادی فاضل، بادریات، معتقد و البته بسیار ثروتمند بودند و علاوه بر اینکه اوضاع سیاسی را مدیریت می‌کردند، در عین حال با دانش خود راهنمای سلاطین و حکمرانان هم بودند.

رشیدالدین فضل‌الله همدانی (۶۴۸-۷۱۸ ق) از سال ۶۶۳ قمری در مقام طیب وارد دربار ایلخانان شد. وی از ۶۹۷ ق وزارت سه سلطان ایلخانی (غازان‌خان، اولجایتو و ابوسعید امیر چوپان) را برعهده داشت. این عالم، مورخ، طیب و سیاست‌مدار ایرانی، در علوم مختلف از سرآمدان عصر خود بوده است (همان، ص ۲۱۸).

در بیان عوامل فردی تکوین جریان سیاست‌نامه‌نویسی که به زمینه‌های شخصیتی نظریه‌پردازان این عرصه بازمی‌گردد، می‌توان به درایت، سرآمدی در علوم مختلف، آگاهی از واقعیت‌ها و شرایط سیاسی عصر خویش، ثروت و دارایی، برخورداری از پایگاه اجتماعی بالا و نبوغ سیاست‌نامه‌نویسان اشاره کرد.

۲-۲. زمینه‌های غیرمعرفتی اجتماعی

سیاست‌نامه‌ها در دوره تمدن اسلامی، به‌طورکلی متأثر از اندیشه سیاسی ایرانیان قبل از اسلام تدوین شده‌اند. لذا در اینجا به بررسی عوامل اجتماعی غیرمعرفتی سیاست‌نامه‌ها در دو دوره قبل و بعد از اسلام می‌پردازیم:

ایرانیان از گذشته به اندرزنامه‌نویسی علاقه ویژه داشتند و این سنت نزد آنان رایج شده بود؛ به‌گونه‌ای که در عهد ساسانی یکی از مناصب بزرگ، «اندرزبُد» بود. در زبان پهلوی میان اندرز و آیین ارتباط نزدیکی بود و اندرز شامل نصایح و دستورهایی برای رفتار درست در امور سیاست و دولت، زندگی روزانه و دین می‌شد. نزد آنان، پند و اندرز برآیند تجربه‌های ذهنی و عملی برای بهبود وضع محیط زندگی و رسیدن به نیک‌بختی بود (محمدی، ۱۳۵۶، ص ۳۱۱).

از سوی دیگر، استقبال ایرانیان دوران ساسانی از ترجمه کتاب **کلیله و دمنه** ریشه در زیربنای فکری آریایی‌های ایرانی دارد. از نگاه ایرانیان آریایی، جهان دارای نظم است و این نظم را اشته یا ارته می‌خواندند. اشته به معنای نظام و آیینی بوده که سراسر عالم هستی را به هم پیوند می‌دهد است و نظام

طبیعی، اجتماعی، اخلاقی و آیین‌های دینی، همگی جلوه‌های آن در عوالم مختلف به‌شمار می‌آمده‌اند. در چنین نظامی تکلیف همه معلوم است و هر کس و هر چیز شأنی دارد. شأن حکام و سلاطین ایجاب نمی‌کند که حقیقت را بفهمند؛ چراکه وظیفه آنها از سویی جهانگیری و از سوی دیگر به اجرا گذاردن جهان‌داری بود. درباره اینکه جهان‌داری چگونه است و کدام ظرایف و بصیرت‌ها را برای آن باید رعایت کرد، باید به ارباب حکمت و درایت و تفکر رجوع کرد و با تراوش‌های ذهن و قلم آنها به رایزنی نشست.

جامعه آریایی به اقشار «دین‌یاران»، «رزم‌یاران»، «فن‌یاران»، «حکمت‌یاران» و «خدمت‌یاران» تقسیم می‌شد. از میان این گروه‌ها قشر دین‌یاران مهم‌ترین کارکرد را داشتند؛ چراکه وظیفه اصلی نگهداری، بازتفسیر و روزآمد کردن آیین، آموزه و علم رایج را برعهده داشتند. معمولاً هم کسانی که اندرزنامه می‌نوشتند از همین قشر فرهیختگان و فرزنانگان زمان بودند؛ به‌ویژه آنکه در نحوه توجیه شأن و مقام این قشر گفته شده که جایگاهشان با جایگاه سر در بدن قابل قیاس است (رجایی، ۱۳۷۳، ص ۱۸-۱۹).

در دوران اسلامی به‌ویژه در آغاز حکومت عباسیان، به دلیل نیاز گسترده اعراب به اطلاع از شیوه‌های ملک‌داری از یک سوی و فقدان نیروهای کارآموده در میان آنها از سویی دیگر، آیین‌های کشورداری ایران باستان و آشنایی با آنها به یکی از الزامات حکومتی خلفا تبدیل شد. جذب یا نفوذ بسیاری از ایرانیان مستعد به‌ویژه در حکومت عباسیان سبب آن شد که بسیاری از شیوه‌ها و نکات کشورداری به صورت تألیف یا ترجمه یا رفتار به مراکز قدرت انتقال یابد (قادری، ۱۳۸۸، ص ۱۲۱).

بسیاری از متون و اندرزنامه‌های ایرانی پیش از اسلام به‌ویژه متنی‌هایی که به سیاست و روش حکومت می‌پرداختند، کانون توجه قرار گرفتند و جریانی مهم برای ترجمه این متون پدید آمد. تقریباً همه مؤلفان کتاب‌های آداب عربی مانند آداب‌الملوک‌ها در آغاز دوره اسلامی کمابیش از مضامین اندرزنامه‌های ایرانی بهره بردند. یکی از مهم‌ترین کتاب‌های عربی که در آن بخش‌های فراوانی از مضامین اندرزنامه‌ها آمده، **الحکمة الخالده** نوشته ابوعلی مسکویه رازی است که گزیده‌ای از اندرزهای منسوب به حکما و

خردمندان قدیم ایران، یونان، روم، هند و عرب است. از کتاب‌های دیگر در این باره **غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم** نوشته ثعالبی و **التاج فی اخبار الملوک** منسوب به جاحظ است (طباطبایی، ۱۳۵۷، ص ۱۲۴). بنابراین فرهنگ سیاسی ایران پیش از اسلام در قالب متون ترجمه‌ای به زبان عربی و تواریخ و نوشته‌های اسلامی، بازتابی گسترده یافتند و این جریان در تاریخ خلافت و ایران اسلامی با کارکردهای متفاوتی تداوم پیدا کرد. ابن‌مقفع (۱۰۶-۱۴۴ق) با ترجمه آثاری مهم، پایه‌گذار سنت

اندرزنامه‌نویسی سیاسی در دوران اسلامی است (اللهیاری، ۱۳۸۱، ص ۱۳۱). این آثار بستری مناسب برای بازتاب و انتقال فرهنگ سیاسی باستانی یا اندیشه ایرانی شهری در دوران اسلامی فراهم آوردند. سیاست‌نامه‌ها در دوره اسلامی عموماً در دوره‌ای از تاریخ ایران شکل گرفته‌اند که اصطلاحاً به «دوره میانه» معروف است. تاریخ میانه ایران از چند جهت دارای اهمیت است. یکی از وجوه اهمیت این دوره، شکل‌گیری سلطنت‌های نیمه‌مستقل در سرزمین ایران بود که در کنار خلافت اسلامی در بغداد شکل گرفتند و اگرچه مشروعیت خود را از خلیفه بغداد کسب می‌کردند، در اعمال قدرت، مستقل بودند. در این راستا یکی از مهم‌ترین منابع توجیه‌کننده که می‌توانست مشروعیت سلطنت‌های مستقل را موجه سازد، اندیشه‌های ایرانی شهری در باب سیاست بود که البته می‌بایست با تفکر موجود اسلامی در آن دوران سازگار می‌شد.

استقبال از کتاب‌های اخلاقی در دوره میانه دو دلیل داشت: یکی اینکه در دین اسلام به اندوختن حکمت و کسب مکارم اخلاقی بسیار تحریص و ترغیب شده است؛ و دیگر آنکه با حاکمیت یافتن مغولان و سلجوقیان، هرگونه دریافت فلسفی از سیاست و رفتار سیاست‌مداران، از ساحت نظریات عالمان رخت بریست. با تثبیت فشریگری مذهبی اشعری، به‌منزله مذهب مختار، دو جریان مهم اندیشه سیاسی در ایران دوره اسلامی، یعنی سیاست‌نامه‌نویسی و شریعت‌نامه‌نویسی شکل گرفت (فیرحی، ۱۳۸۷، ص ۲۴۶).

از حیث عامل ایدئولوژیکی نیز می‌توان به این نکته اشاره کرد که عموماً اندیشه‌های سیاسی در خدمت قدرت سیاسی قرار داشته‌اند. به بیان دیگر، در تاریخ جوامع اسلامی، عمل سیاسی همواره بر اندیشه سیاسی مقدم بوده است و نظام‌های سیاسی برای توجیه خود نیازمند مبانی فکری و سیاسی بوده‌اند. اندیشه‌های سیاسی مربوط به اهل سنت و شریعت‌نامه‌ها همگی این ویژگی را داشتند و درواقع، کارکرد اساسی آنها توجیه‌گری بوده است (قادری، ۱۳۸۸، ص ۲۵۳).

علی‌رغم تأثیرپذیری سیاست‌نامه‌نویسی از اندیشه ایرانی شهری قبل از اسلام، با روشن شدن زمینه‌های وجودی معرفتی و غیرمعرفتی نمی‌توان اندیشه سیاست‌نامه‌نویسی را تداوم اندیشه ایرانی شهری دانست؛ چراکه در اندیشه ایرانی شهری قبل از اسلام، شاه آرمانی که دارای فره ایزدی است، محور و کانون تحلیل سیاسی است؛ ولی در سیاست‌نامه‌ها این شاه آرمانی جای خود را به شاه موجود می‌دهد که فاقد فره ایزدی مورد ادعاست. از سوی دیگر سیاست‌نامه‌ها و تحولات آنها، تابع تحولات عقل عملی در تمدن اسلامی‌اند. این موضوع را می‌توان براساس مبانی کلامی اشعری هم توضیح داد که بنا بر این مبانی،

سیاست‌نامه‌ها، به‌ویژه سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک در پیوند با کلام اشعری و تداوم آن است. بنابراین حکم به تباین آنها با اندیشه ایران قدیم، با منطق درونی این نوشته‌ها و نیز نظر و عمل خواجه سازگارتر است؛ چراکه در اندیشه ایرانی شهری دگرگونی‌های جهان، تابعی از دگرگونی سرشت شاهی است و نه برعکس؛ درحالی‌که خواجه نظام‌الملک از این حکم فاصله می‌گیرد (فیرحی، ۱۳۸۲، ص ۸۸).

به نکته‌ای دیگر نیز در این زمینه می‌توان اشاره کرد و آن این است که محتوای اندرزنامه پیش از اسلام، در پرتو اندیشه‌های اسلامی متحول شده است. شاه آرمانی در اندیشه ایرانی شهری بنیان‌گذار و عین قانون است؛ اما پادشاه در دوران اسلامی سرشتی ترکیبی دارد که از سویی برگزیده خداست و از سوی دیگر باید توجهی به احکام شریعت داشته باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ص ۶۰).

در پایان می‌توان گفت سیاست‌نامه‌نویسی سیاسی علی‌رغم تأثیرپذیری از اندیشه ایرانی شهری، دارای تمایز بنیادین با آن است و عنصر اساسی اندیشه ایرانی شهری، یعنی شاه آرمانی، در سیاست‌نامه‌نویسی متحول شده است. درواقع، سیاست‌نامه‌نویسی در پی پاسخ به مهم‌ترین مسائل نظام سیاسی موجود آن عصر در قلمرو دانش سیاسی مسلمین شکل گرفت. مهم‌ترین مسائل جامعه ایرانی در آن شرایط سیاسی عبارت بودند از: امنیت، عدالت، قدرت و سلطنت؛ بدین بیان که پادشاه عادل کیست؟ نقش قدرت در سیاست چیست؟ و چگونه می‌توان امنیت برقرار کرد؟ هدف اصلی اندرزنامه‌نویسان ارائه راهکارهایی درباره چگونگی کسب قدرت به‌وسیله پادشاهان و تقویت و استمرار آن بود. با ورود مبانی چنین دانشی به عرصه فرهنگ جمعی، و طرح چنین مسائلی، دانشی متناسب با عقلانیت دوره میانه و مبانی معرفتی دوره تمدن اسلامی شکل گرفت. بنابراین می‌توان از سیاست‌نامه‌ها به دلیل دارا بودن روشی ویژه، به‌منزله جریانی مستقل از فلسفه و فقه سیاسی در عرصه دانش سیاسی مسلمانان نام برد.

۳. نقد

با بررسی روش‌شناسی بنیادین سیاست‌نامه‌نویسی، مبانی این جریان علمی در حوزه اندیشه مسلمین روشن شد و زمینه برای نقد مبانی آن فراهم آمد:

۱. سیاست‌نامه‌نویسی به‌ویژه از نوع دستورنویسی‌های وزرا را می‌توان جریانی وابسته به نظام حاکم دانست؛ زیرا بزرگ‌ترین نمایندگان این جریان فکری، سیاست‌مداران و وزرای هستند که خود از اجزای اصلی نظام حاکم بودند؛ اگرچه شاعران و نویسندگانی را هم می‌توان یافت که ارتباط چندانی با دستگاه حاکمه نداشتند.

نتیجه‌گیری

اندرزنامه‌های سیاسی از جمله آثاری هستند که در زمینه سیاست و تأملات سیاسی در ایران پس از اسلام، با هدف توصیه رفتار مناسب در زندگی سیاسی و تأثیرگذاری بر رفتار سیاسی صاحبان قدرت به رشته تحریر درآمده‌اند. سیاست‌نامه‌نویسان برای خود مبانی‌ای چون توأمان بودن دین و سیاست، عدالت‌طلبی، تقدیرگرایی، نظم‌گرایی، واقع‌گرایی، و تجربه‌گرایی اختیار کردند. ساختار معرفتی سیاست‌نامه‌ها متشکل از مفاهیمی مانند امنیت، عدالت، قدرت، سلطنت و گزاره‌هایی است که راه و رسم فرمانروایی و حفظ قدرت و مقابله با آشوب‌ها را نشان می‌دهند. مفهوم قدرت و چگونگی کسب و حفظ آن از جمله عوامل و علل اصلی ایجاد این دانش معرفی می‌شود.

سیاست‌نامه‌نویسی به‌منزله یک دانش، به دلیل تفاوت روشی، به‌مثابه دانشی مستقل از فلسفه و فقه سیاسی و به منظور تأثیرگذاری اجتماعی و تربیت نفوس شکل گرفت. اندرزنامه‌ها بیشتر از خطابه یا اقناع ناشی از مشاهدات تاریخی استفاده می‌کنند تا روش برهانی. تجربه‌گرایی مبتنی بر واقعیات عینی و برخوردار از زبان استعاری و کنایی از ویژگی‌های روش‌شناختی سیاست‌نامه‌ها به‌شمار می‌آیند. مفاهیم امنیت، قدرت و نحوه کسب و حفظ آن، به‌عنوان عوامل اصلی قلمرو دانش سیاست‌نامه‌نویسی، حوزه‌هایی از قبیل امنیت ملی و دفاعی را در عرصه سیاست فعال می‌سازند.

درایت، سرآمدی در علوم مختلف زمانه، آگاهی از واقعیت‌ها و شرایط سیاسی عصر خویش، ثروت و دارایی، برخوردار از پایگاه اجتماعی بالا و نبوغ سیاست‌نامه‌نویسان برخی از عوامل فردی تکوین جریان سیاست‌نامه‌نویسی هستند. علاقه ویژه و دیرین ایرانیان به اندرزنامه‌نویسی، آن را در نزد آنان به سنت رایج تبدیل کرده بود و نمونه آن استقبال ایرانیان دوران ساسانی از ترجمه کتاب **کلیده و دمنه** بود. تحولات سده اول در درون نهاد خلافت و نیاز به کسب آداب کشورداری، متون و اندرزنامه‌های ایرانی پیش از اسلام را برجسته ساخت و جریانی مهم برای ترجمه این متون پدید آمد. شکل‌گیری سلطنت‌های نیمه‌مستقل در سرزمین ایران در دوره میانه در کنار خلافت اسلامی، سیاست‌نامه‌ها را به‌منزله مهم‌ترین منابع توجیه‌کننده که می‌توانستند مشروعیت سلطنت‌های مستقل را موجه سازند، ارزشمند ساخت، و نیز اندیشه اندرزنامه‌نویسی را متناسب با تفکر موجود اسلامی در آن دوران فعال کرد.

برخی از رهیافت‌های جریان اندرزنامه‌نویسی، وابسته به نظام حاکم و به‌منزله ایدئولوژی جهت توجیه حاکمیت عمل می‌کردند. براساس نظم‌گرایی موجود در مبانی سیاست‌نامه‌نویسی هرگونه تحول

از آنجاکه محور اصلی اندرزنامه‌های سیاسی تأکید بر حفظ قدرت فرمانرواست، سیاست‌نامه‌ها نقش طراحی ایدئولوژی حاکمیت برای توجیه حاکمیت را بر عهده داشته‌اند. در نتیجه سیاست‌نامه‌نویس همه تلاش خود را صرف این امر می‌کند که بهترین شیوه حفظ قدرت سیاسی را نشان دهد و در این راه همه شئون و ساحت‌های دیگر حیات اجتماعی را در خدمت قدرت سیاسی قرار می‌دهد و این امر، جریان سیاست‌نامه‌نویسی را در زمره جریان‌های محافظه‌کار قرار می‌دهد؛

۲. نظم‌گرایی، هرگونه تحول و انقلابی را که نظم سیاسی را به هم بریزد، بدعت می‌داند. در سراسر سنت سیاست‌نامه‌نویسی هیچ‌گاه این پرسش مطرح نشد که آیا به جز پند و اندرز یا شورش، راه و روش دیگری برای تغییر سیاست و حکومت هست یا نه؟ شاید یکی از مهم‌ترین علل پایداری نظام استبدادی به‌رغم آن همه شورش‌های ستم‌ستیزانه ایرانیان، همین بود؛

۳. می‌توان پرسید که اگر صاحبان قدرت نخواستند یا نتوانستند به اندرزها گوش فرا دهند و برخلاف نظر سیاست‌نامه‌نویسان به این نتیجه رسیدند که با ابزار ستم و خشونت و ارباب‌بهرتر می‌توانند حکومت کنند، چه خواهد شد؟ چه تضمینی برای کاربست اندرزهای موجود در سیاست‌نامه‌ها توسط صاحبان قدرت وجود داشت؟ تاریخ نشان داده است کسانی که به این‌گونه اندرزها گوش کنند انگشت‌شمارند؛

۴. اندیشه تقدیرگرایی، حاکمان را منصوب مستقیم خداوند و مسئول مستقیم در برابر او می‌داند. چنین اعتقادی موجب رد مسئولیت حاکمیت در برابر شهروندان و از میان بردن آزادی‌های فردی و اجتماعی در برابر حاکمان می‌شد (لمبتون، ۱۳۷۰، ص ۲۱۹). به‌علاوه یکی دیگر از نتایج چنین اعتقادی این خواهد شد که هرگونه مخالفت با سلطان و پادشاه، مخالفت با نماینده مختار خداوند تلقی می‌شود و توجیه برای سرکوب مخالفان طبق این نظریه، تسهیل می‌گردد؛

۵. مخاطب سیاست‌نامه‌ها حاکمان بودند و سیاست‌نامه‌نویسان برای اصلاح امور اجتماعی سراغ طبقه حاکم می‌رفتند و آنها را به عدالت و پرهیز از ظلم در حق رعیت سفارش می‌کردند. با این کار، اصلاح از پایین و توجه به ریشه‌های اجتماعی و فرهنگی ظلم و استبداد مورد غفلت قرار می‌گرفت و ریشه‌های استبداد مستحکم‌تر می‌شد.

منابع

- اصفهان، محمود بن محمد بن الحسین، ۱۳۶۴، *دستور الوزراء*، تصحیح و تعلیق رضا انزلی نژاد، تهران، امیرکبیر.
- اللهیاری، فریدون، ۱۳۸۱، «قابوس‌نامه عنصرالمعالی و جریان اندرنامه‌نویسی سیاسی در ایران دوران اسلامی»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه اصفهان)*، ش ۳۰ و ۳۱، ص ۱۲۵-۱۴۲.
- پارسا، حمید، ۱۳۸۹، *روش‌شناسی انتقادی حکمت صدرایی*، قم، کتاب فردا.
- _____، ۱۳۹۲، «نظریه و فرهنگ: روش‌شناسی بنیادین تکوین نظریه‌های علمی»، *راهبرد فرهنگ*، ش ۲۳، ص ۷-۲۸.
- دانش‌پژوه، محمدتقی، ۱۳۵۴، «*اوضاع سیاسی اجتماعی ایران در جامع التواریخ*»، در: مجموعه مقالات خطابه‌های تاریخی درباره خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، تهران.
- رجائی، فرهنگ، ۱۳۷۳، *معرکه جهان‌بینی‌ها*، تهران، احیاء کتاب.
- شیرازی، قطب‌الدین، ۱۳۶۲، *دره التاج*، به کوشش ماهدخت بانو همایی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- شریف. م. م.، ۱۳۶۵، *تاریخ فلسفه در اسلام*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- طباطبایی، سیدجواد، ۱۳۸۲، *زوال اندیشه سیاسی در ایران*، تهران، کویر.
- _____، ۱۳۵۷، *خواجه نظام‌الملک*، تهران، طرح نو.
- _____، ۱۳۷۴، *درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران*، تهران، کویر.
- طوسی، خواجه نظام‌الملک، ۱۳۷۲، *سیرالملوک*، به اهتمام هیربرت دارک، تهران، علمی و فرهنگی.
- عنایت، حمید، ۱۳۵۶، *بنیاد فلسفه سیاسی در غرب*، تهران، دانشگاه تهران.
- فیرحی، داوود، ۱۳۸۲، *قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام*، تهران، نی.
- فیرحی، داوود و همکاران، ۱۳۸۷، *روش‌شناسی دانش سیاسی در تمدن اسلامی*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- قادری، حاتم، ۱۳۸۸، *اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران*، تهران، سمت.
- لمبتون، آن کاترین سوین، ۱۳۷۰، «اندیشه سیاسی دوره اسلامی»، ترجمه عبدالرحمن عالم، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، ش ۲۶، ص ۱۹۷-۲۲۰.
- لمبتون، آن. کی. اس، ۱۳۵۷، *نظریه دولت*، ترجمه چنگیز پهلوان، تهران، گویو.
- محمدی، محمد، ۱۳۵۶، *فرهنگ ایران پیش از اسلام*، تهران، دانشگاه تهران.
- مصنف چوری، ملا ابوبکر، ۱۳۸۷، *ریاض‌الخلود*، تهران، سیروان.
- نجفی، موسی، ۱۳۸۲، *مراتب ظهور فلسفه سیاست در متون فرهنگ و تمدن*، تهران، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- نصرالله منشی، ابوالعالی، ۱۳۶۷، *کلیله و دمنه*، به کوشش منصور ثروت، تهران، امیرکبیر.
- همدانی، خواجه رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۶۲ق، *مکاتبات*، به سعی و اهتمام محمد شفیع، لاهور، پنجاب، ایجو کیشنل پریس.

و انقلابی بدعت دانسته می‌شود. قدرت نامحدود حاکمان تضمینی برای کاربست اندرزه‌های موجود در سیاست‌نامه‌ها توسط صاحبان قدرت باقی نمی‌گذارد. همچنین می‌توان به مسئولیت‌ناپذیری حاکمیت در برابر افراد جامعه و از میان رفتن آزادی‌های فردی و اجتماعی، به‌منزله پیامدهای تقدیرگرایی در اندیشه سیاست‌نامه‌نویسی اشاره کرد. به‌علاوه تقدیرگرایی هرگونه مخالفت با سلطان را مخالفت با نماینده مختار خداوند می‌داند و در نتیجه سرکوب مخالفان را تسهیل می‌کند.